حمیدرضا طاهری، سرپرست دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی در گفت‌وگو با «ایران»:

سرمایه اجتماعی محبوبیت ورزشکاران را تشدید می‌کند

مسئولیت اجتماعی باید در ساختارهای رسمی ورزش نهادینه شود

پریسا غفاری/ ورزش در عصر حاضر، صرفاً میدان رقابت و سنجش توانایی‌های جسمانی نیست، بلکه به عرصه‌ای اثرگذار در شکل‌دهی به نگرش‌ها، ارزش‌ها و جریان‌های فرهنگی جامعه تبدیل شده است. در این میان، ورزشکاران به‌واسطه جایگاه اجتماعی ویژه و بازتاب گسترده در رسانه‌ها، نقشی فراتر از یک کنشگر ورزشی ایفا می‌کنند و به چهره‌هایی تأثیرگذار در فضای عمومی بدل شده‌اند. این جایگاه ممتاز، مسئولیتی اجتماعی را نیز برای آنان به همراه دارد؛ مسئولیتی که در رفتار، گفتار و نوع مواجهه آنان با جامعه نمود پیدا می‌کند و می‌تواند در شکل‌گیری الگوهای رفتاری نسل جوان نقش‌آفرین باشد. برای واکاوی دقیق‌تر ابعاد مسئولیت اجتماعی ورزشکاران، با دکتر حمیدرضا طاهری، سرپرست دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد به گفت‌وگو نشسته‌ایم. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

عکس: سایت فدراسیون فوتبال

از دید جامعه‌شناسی ورزش، «مسئولیت اجتماعی ورزشکاران» یعنی چه؟ آیا این مسئولیت بیشتر به انتخاب فردی مربوط است یا تحت‌تأثیر جامعه و نهادهاست؟

از منظر جامعه‌شناسی ورزش، مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را نمی‌توان صرفاً به یک عامل تقلیل داد؛ بلکه این مسئولیت حاصل تعامل میان «انتخاب آگاهانه فردی» و «ساختارها و خواسته‌های نهادی» است. به بیان دیگر، هم باورها، ارزش‌ها و وجدان اخلاقی خود ورزشکار در شکل‌گیری این مسئولیت نقش دارد و هم انتظاراتی که جامعه، رسانه‌ها، نهادهای ورزشی و فرهنگی از او دارند.

در چهارچوب فرهنگ اسلامی، این مسئولیت معنایی عمیق‌تر پیدا می‌کند. در این نگاه، رفتار اجتماعی ورزشکار تنها یک کنش فردی یا نمایشی نیست، بلکه نوعی تعهد اخلاقی، دینی و اجتماعی در قبال مردم تلقی می‌شود. شهرت و محبوبیت ورزشکاران نوعی «امانت» به شمار می‌آید که باید در مسیر خیر عمومی به کار گرفته شود.

ورزشکاران به دلیل دیده شدن و اثرگذاری گسترده، به‌طور طبیعی در جایگاه الگو قرار می‌گیرند. سبک زندگی، نوع گفتار، واکنش‌ها در موقعیت‌های مختلف (پیروزی، شکست و چالش‌ها) و حتی موضع‌گیری‌های اجتماعی آنان می‌تواند بر نگرش‌ها و رفتارهای نسل جوان اثر بگذارد. از این‌رو، مسئولیت اجتماعی آنان شامل تقویت ارزش‌هایی مانند جوانمردی، احترام، همدلی، عدالت‌خواهی و حفظ کرامت انسانی است.

در نهایت می‌توان گفت که این مسئولیت، هم از درون فرد (باورها و اخلاق شخصی) سرچشمه می‌گیرد و هم نیازمند هدایت، حمایت و چهارچوب‌گذاری از سوی مجموعه‌های اجتماعی و ورزشی است تا به شکلی پایدار و مؤثر تحقق یابد.

ورزشکاران چه نقشی در ایجاد و افزایش اعتماد اجتماعی دارند؟

در نظریه‌های سرمایه اجتماعی، «اعتماد» یکی از مهم‌ترین عناصر انسجام و پایداری جامعه محسوب می‌شود. ورزشکاران به دلیل محبوبیت، دسترسی گسترده به افکار عمومی و پیوند عاطفی با مردم، می‌توانند نقش مهمی در تقویت این اعتماد ایفا کنند. در یک جامعه، زمانی اعتماد شکل می‌گیرد که مردم در چهره‌های اثرگذار، ویژگی‌هایی مانند صداقت، مسئولیت‌پذیری، تواضع، وفاداری و انصاف را مشاهده کنند. ورزشکاران، بویژه آنهایی که در سطح ملی یا بین‌المللی مطرح هستند، اگر در عمل به این ارزش‌ها پایبند باشند، می‌توانند به الگوهای قابل اعتماد تبدیل شوند. برای مثال، ورزشکاری که در رقابت‌ها اصول اخلاقی را رعایت می‌کند، در زمان پیروزی دچار غرور و خودبرتربینی نمی‌شود، در شکست، متانت و احترام را حفظ می‌کند و در شرایط سخت در کنار مردم می‌ایستد؛ در واقع پیام روشنی به جامعه منتقل می‌کند؛ اینکه ارزش‌های اخلاقی هنوز زنده و قابل تحقق‌اند.

چنین رفتارهایی نه‌تنها موجب افزایش اعتماد مردم به خود ورزشکار می‌شود، بلکه به‌طور گسترده‌تر، اعتماد به نهاد ورزش و حتی اعتماد میان افراد جامعه را نیز تقویت می‌کند. این اعتماد می‌تواند امید اجتماعی را افزایش دهد، پیوند میان نسل‌ها را تقویت کند و حس همبستگی را در جامعه گسترش دهد. در نتیجه ورزشکاران تنها نقش قهرمان ورزشی ندارند، بلکه می‌توانند به‌عنوان «سرمایه‌های اجتماعی» عمل کنند که با رفتار مسئولانه خود به انسجام، امید و اعتماد در جامعه کمک می‌کنند.

آیا یک ورزشکار حرفه‌ای باید فقط در ورزش فعالیت کند یا نقش اجتماعی هم داشته باشد؟ این نقش تا چه اندازه مناسب است؟

ورزشکار حرفه‌ای، بویژه در سطح ملی و بین‌المللی، به‌طور طبیعی در معرض توجه گسترده افکارعمومی قرار دارد. به همین دلیل نقش او معمولاً فراتر از میدان ورزش تعریف می‌شود و می‌تواند در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی اخلاقی نیز اثرگذار باشد. بنابراین نه‌تنها می‌توان گفت ورزشکار می‌تواند نقش اجتماعی داشته باشد، بلکه در بسیاری از موارد این نقش برای او شایسته و بایسته نیز هست.

در فرهنگ ما، مفهوم «قهرمان» صرفاً به کسب مدال و موفقیت ورزشی محدود نمی‌شود. قهرمان واقعی کسی است که در کنار توانمندی ورزشی، دارای ویژگی‌هایی مانند روحیه پهلوانی، تواضع، مسئولیت‌پذیری، حمایت از دیگران و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی باشد. ورزشکاران می‌توانند در زمینه‌هایی همچون ترویج سبک زندگی سالم، تقویت روحیه امید در جامعه، کمک به اقشار نیازمند، افزایش حس همبستگی و حتی هدایت فرهنگی نسل جوان نقش‌آفرینی کنند.

با این حال، نکته مهم «تعادل» در این نقش است. اگر از ورزشکار انتظار داشته باشیم همه مشکلات اجتماعی را حل کند یا بار کاستی‌های مدیریتی را به دوش بکشد، این انتظار نه‌تنها غیرواقع‌بینانه است، بلکه می‌تواند به فرسودگی، فشار روانی و حتی دور شدن او از نقش اصلی‌اش یعنی ورزش حرفه‌ای منجر شود. بنابراین نقش اجتماعی ورزشکار باید آگاهانه، داوطلبانه و در چهارچوب توانایی‌ها و ظرفیت‌های واقعی او تعریف شود؛ نقشی که الهام‌بخش باشد، نه جایگزین مسئولیت نهادهای رسمی.

در شرایط خاص اجتماعی یا اقتصادی (مثل چالش‌های اقتصادی یا پیامدهای جنگ تحمیلی)، ورزشکاران چه کمکی می‌توانند به جامعه کنند؟

چنین نقش چهره‌های اثرگذار از جمله ورزشکاران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در چنین موقعیت‌هایی، ورزشکاران می‌توانند به «نمادهای امید، مقاومت و همبستگی» تبدیل شوند.

موفقیت‌های ورزشی در این شرایط، تنها یک دستاورد فردی یا ملی نیست، بلکه می‌تواند روحیه جمعی جامعه را تقویت کند. زمانی که مردم در شرایط سخت شاهد تلاش، پشتکار و موفقیت یک ورزشکار هستند، این پیام به آنها منتقل می‌شود که می‌توان با اراده، صبر و همدلی بر مشکلات غلبه کرد. این امر بویژه برای نسل جوان بسیار الهام‌بخش است.

علاوه بر این، رفتارهای اجتماعی و اخلاقی ورزشکاران نیز در چنین شرایطی اهمیت دوچندان دارد. حضور در کنار مردم، همدلی با آسیب‌دیدگان، مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه یا حتی بیان پیام‌های امیدبخش می‌تواند به کاهش احساس ناامیدی و افزایش انسجام اجتماعی کمک کند. در فرهنگ اسلامی و انقلابی، قهرمان واقعی کسی است که درد جامعه را درک کند و خود را جدا از مردم ندانند.

باید توجه داشت نقش ورزشکاران در این زمینه بیشتر «الهام‌بخش و تقویت‌کننده روحیه» است، نه نقش اجرایی و ساختاری. حل ریشه‌ای مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیازمند سیاست‌گذاری‌های عادلانه، مدیریت کارآمد و حمایت نهادهای مسئول است. ورزشکاران می‌توانند در کنار این فرآیند، به‌عنوان تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی، نقش مکمل و مؤثری ایفا کنند.

آیا درست است از ورزشکاران انتظار داشته باشیم بخشی از درآمدشان را به بخش‌های آسیب‌دیده در طول جنگ تحمیلی اختصاص دهند؟

کمک مالی ورزشکاران به نیازمندان یا مشارکت در امور خیریه، در صورتی که از روی اختیار، نیت خیر و احساس مسئولیت درونی انجام شود، عملی بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است. چنین رفتاری را می‌توان در چهارچوب مفاهیمی مانند انفاق، ایثار و جوانمردی تحلیل کرد؛ مفاهیمی که در فرهنگ ما جایگاه والایی دارند و همواره به‌عنوان نشانه‌ای از بزرگی شخصیت افراد شناخته می‌شوند.

با این حال، نکته مهم این است که این نوع کمک‌ها باید «داوطلبانه» باشد، نه اجباری. اگر جامعه، رسانه‌ها یا افکارعمومی به‌گونه‌ای عمل کنند که ورزشکار خود را تحت فشار برای بخشیدن بخشی از درآمدش ببیند، ارزش اخلاقی این عمل کاهش می‌یابد؛ زیرا کار خیر زمانی معنا و اثر واقعی دارد که از روی اختیار و نیت پاک انجام شود، نه از سر اجبار، ترس از قضاوت یا حفظ وجهه اجتماعی.

نباید فراموش کرد که ورزشکار نیز مانند هر شهروند دیگری، حق دارد درباره درآمد و دارایی خود تصمیم بگیرد. بنابراین بهترین رویکرد این است که فرهنگ کمک و همدلی در جامعه تقویت شود، نه اینکه با مطالبه‌گری وادار به انجام این کار شوند.

> مسئولیت اجتماعی ورزشکاران باید از سطح فردی فراتر رود و به بخشی از نظام مدیریتی فرهنگی و اخلاقی ورزش تبدیل شود نظامی که هم رفتار فردی را تقویت کند و هم از آن حمایت نهادی به عمل آورد

کمک مالی ورزشکاران مهم‌تر است یا اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی؟

کمک‌های مالی ورزشکاران، هرچند ارزشمند و تأثیرگذار است، اما نمی‌تواند جایگزین اصلاحات ساختاری در حوزه عدالت اجتماعی و اقتصادی شود. مسأله درآمد ورزشکاران و توزیع آن، تنها یک موضوع فردی نیست، بلکه در بستری گسترده‌تر از نظام اقتصادی، مدیریت ورزشی و سیاست‌گذاری‌های کلان قرار دارد.

عواملی مانند نحوه تنظیم قراردادها، شفافیت مالی، نقش باشگاه‌ها، اسپانسرها، مدیران ورزشی و حتی وضعیت کلی اقتصاد کشور، همگی در شکل‌گیری این مسأله دخیل هستند. اگر این ساختارها دچار نابرابری یا ناکارآمدی باشند، انتظار اینکه صرفاً با کمک‌های فردی ورزشکاران بتوان عدالت اجتماعی را برقرار کرد، واقع‌بینانه نیست.

به بیان دیگر، همراهی اقتصادی ورزشکاران می‌تواند «مکمل» باشد، نه «جایگزین.» تحقق عدالت اجتماعی نیازمند اصلاحات عمیق و پایدار در ساختارهاست؛ اصلاحاتی که توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع را تضمین کند. در چنین شرایطی، اقدامات خیرخواهانه ورزشکاران می‌تواند اثرگذاری بیشتری داشته باشد و در کنار سیاست‌های درست، به بهبود وضعیت جامعه کمک کند.

> مردم با دیدن رفتار مسئولانه یک ورزشکار محبوب احساس نزدیکی و همدلی بیشتری می‌کنند. این امر می‌تواند حس مسئولیت جمعی را تقویت و افراد را به مشارکت در کارهای خیر و اجتماعی ترغیب کند

نابرابری دستمزدها در ورزش چه تأثیری بر تصویر اجتماعی ورزشکاران دارد؟

در جامعه‌ای که نابرابری در حوزه دستمزدهای ورزشکاران وجود دارد، تصویر اجتماعی آن‌ها معمولاً حالتی دوگانه پیدا می‌کند. از یک سو، آنها نماد تلاش، موفقیت، پیشرفت و افتخار ملی هستند و می‌توانند الهام‌بخش نسل جوان باشند. موفقیت‌های آنان نشان می‌دهد با تلاش و پشتکار می‌توان به جایگاه‌های بالا دست یافت.

اما از سوی دیگر، اگر این موفقیت با نمایش دارایی و ثروت، تجمل‌گرایی یا فاصله گرفتن از سبک زندگی عمومی مردم همراه شود، ممکن است نگاه جامعه نسبت به آنان تغییر کند. در چنین حالتی، برخی از مردم احساس فاصله یا حتی بی‌اعتمادی پیدا می‌کنند و ورزشکار دیگر به‌عنوان «چهره‌ای مردمی» دیده نمی‌شود.

ورزشکار، پیش از هر چیز، یک شهروند است و از حقوقی مشابه دیگران برخوردار است؛ از جمله حق داشتن درآمد بالا یا بیان دیدگاه‌های شخصی. اما به دلیل جایگاه اجتماعی و میزان دیده شدن، رفتار او تأثیر بیشتری بر افکارعمومی دارد. به همین دلیل نحوه استفاده از ثروت و نوع سبک زندگی او می‌تواند در شکل‌گیری تصویر اجتماعی‌اش بسیار تعیین‌کننده باشد. در فرهنگ اسلامی، ثروت و موفقیت زمانی ارزشمند تلقی می‌شود که با ویژگی‌هایی مانند تواضع، خدمت به مردم، عدالت‌خواهی و ساده‌زیستی نسبی همراه باشد. اگر این عناصر در رفتار ورزشکار دیده شود، نه‌تنها ثروت او موجب فاصله گرفتن از مردم نمی‌شود، بلکه می‌تواند به افزایش محبوبیت و سرمایه اجتماعی او نیز کمک کند.

در مقابل، اگر موفقیت مالی به فخرفروشی، مصرف‌گرایی افراطی یا بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی منجر شود، ممکن است سرمایه اخلاقی و اجتماعی ورزشکار کاهش یابد. بنابراین تصویر مطلوب از ورزشکاران در جامعه، تصویری است که در آن موفقیت حرفه‌ای با اخلاق، مردمی بودن و حس مسئولیت اجتماعی همراه باشد.

چرا کارهای خیر ورزشکاران باعث می‌شود مردم بیشتر به آنها احترام بگذارند؟

فعالیت‌های خیرخواهانه ورزشکاران زمانی باعث افزایش اعتبار و جایگاه اجتماعی آنها می‌شود که مردم این رفتارها را صادقانه و از سر دلسوزی واقعی بدانند. در چنین حالتی، این اقدامات به چیزی فراتر از یک عمل ساده تبدیل می‌شود و به «سرمایه نمادین» یا اعتبار اجتماعی پایدار می‌انجامد.

در فرهنگ اسلامی، کمک به دیگران -به‌ویژه نیازمندان- یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ایمان، اخلاق و انسانیت است. وقتی یک ورزشکار از شهرت و محبوبیت خود برای کمک به دیگران استفاده می‌کند، در واقع نشان می‌دهد موفقیتش صرفاً برای خود او نیست، بلکه در خدمت جامعه نیز قرار دارد. همین موضوع باعث می‌شود مردم او را نه فقط به‌عنوان یک قهرمان ورزشی، بلکه به‌عنوان یک «الگوی اخلاقی» یا حتی «پهلوان اجتماعی» بشناسند. البته این اعتبار زمانی ماندگار خواهد بود که این فعالیت‌ها با ویژگی‌هایی مانند فروتنی، استمرار، شفافیت و نیت واقعی خدمت همراه باشد. اگر مردم احساس کنند این اقدامات صرفاً برای دیده شدن یا تبلیغات است، اثر مثبت آن کاهش می‌یابد. بنابراین آنچه جایگاه اجتماعی ورزشکار را ارتقا می‌دهد، بیش از خود عمل، «نحوه انجام» و «نیت پشت آن» است.

رسانه‌ها چه تأثیری در شکل‌گیری تصویر «ورزشکار مسئول اجتماعی» دارند؟ آیا ممکن است این موضوع را سطحی کنند؟

رسانه‌ها نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تصویر اجتماعی ورزشکاران دارند. آنها می‌توانند نگاه مردم را از یک قهرمان صرفاً مدال‌آور، به شخصیتی اخلاق‌مدار، مسئول و اثرگذار در جامعه تغییر دهند. به بیان دیگر، رسانه‌ها این توانایی را دارند که «معنای قهرمانی» را بازتعریف کنند.

در حالت مطلوب، رسانه‌ها باید ورزشکارانی را برجسته کنند که علاوه بر موفقیت ورزشی، دارای ویژگی‌هایی مانند جوانمردی، تواضع، احترام به دیگران، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توجه به مسائل مردم هستند. این نوع بازنمایی می‌تواند به ترویج ارزش‌های مثبت در جامعه کمک کند و الگوهای سالمی برای نسل جوان بسازد.

اما در سوی دیگر، اگر رسانه‌ها بیش از حد به حاشیه‌ها، سبک زندگی لوکس، میزان درآمد یا حتی نمایش اغراق‌آمیز فعالیت‌های خیرخواهانه بپردازند، این خطر وجود دارد که این رفتارها «نمایشی» و سطحی شوند. در چنین شرایطی، عمل خیر به جای اینکه یک کنش اخلاقی عمیق باشد، به ابزاری برای جلب توجه، افزایش دنبال‌کننده یا برندسازی شخصی تبدیل می‌شود. بنابراین مسئولیت رسانه‌ها بسیار حساس است، آنها باید میان «اطلاع‌رسانی» و «نمایش‌سازی» تمایز قائل شوند و تلاش کنند روایتگر واقعیت، صداقت و عمق رفتارهای اجتماعی ورزشکاران باشند، نه اینکه آنها را به کالایی رسانه‌ای تبدیل کنند.

نشان دادن کارهای اجتماعی ورزشکاران در رسانه‌ها بیشتر باعث همبستگی می‌شود یا آن را به نمایش تبدیل می‌کند؟

اگر رسانه‌ها فعالیت‌های اجتماعی ورزشکاران را با صداقت، عمق و رویکردی تربیتی بازتاب دهند، این کار می‌تواند آثار بسیار مثبتی در جامعه داشته باشد. در چنین شرایطی، مردم با دیدن رفتار مسئولانه یک ورزشکار محبوب، احساس نزدیکی و همدلی بیشتری می‌کنند. این امر می‌تواند حس مسئولیت جمعی را تقویت و افراد را به مشارکت در کارهای خیر و اجتماعی ترغیب کند. همچنین این نوع بازنمایی می‌تواند امید اجتماعی را افزایش و نشان دهد هنوز ارزش‌هایی مانند کمک به دیگران و همدلی زنده است.

اما اگر این بازنمایی به سمت اغراق، احساسات‌گرایی افراطی، تبلیغات شخصی یا رقابت برای دیده شدن حرکت کند، نتیجه معکوس خواهد داشت. در این حالت، آنچه باید یک عمل اخلاقی باشد، به یک «نمایش» تبدیل می‌شود و حتی ممکن است باعث بدبینی و بی‌اعتمادی در جامعه شود.

در نگاه اسلامی، معیار اصلی در ارزش‌گذاری این کنش‌ها، نیت صادقانه، اثر واقعی و خدمت بی‌منت به مردم است. بنابراین، هم ورزشکاران و هم رسانه‌ها باید تلاش کنند تا این مرز ظریف میان «الهام‌بخشی واقعی» و «نمایش ظاهری» حفظ شود؛ زیرا تنها در این صورت است که این اقدامات می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و سرمایه اخلاقی جامعه منجر شود.

مسئولیت اجتماعی ورزشکاران در بیشتر کار خود ورزشکار است یا باید بر عهده باشگاه‌ها و نهادهای ورزشی هم باشد؟ مسئولیت اجتماعی در ورزش را نمی‌توان صرفاً به اخلاق فردی یا انگیزه شخصی ورزشکاران محدود کرد. هرچند نقش فرد بسیار مهم است، اما اگر این مسئولیت فقط بر دوش ورزشکار قرار بگیرد، اثر آن محدود، پراکنده و ناپایدار خواهد بود.

در یک نگاه جامع‌تر، مسئولیت اجتماعی باید در ساختارهای رسمی ورزش نیز نهادینه شود؛ یعنی باشگاه‌ها، فدراسیون‌ها، وزارت ورزش و جوانان، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی همگی باید در این مسیر نقش فعال داشته باشند. ورزشکار در این میان، بیشتر نقش «چهره الهام‌بخش» و «الگوی قابل مشاهده» را ایفا می‌کند، اما تداوم و اثرگذاری واقعی این مسئولیت نیازمند حمایت ساختاری است.

در فرهنگ اسلامی نیز خدمت به جامعه یک وظیفه جمعی محسوب می‌شود، نه صرفاً یک اقدام فردی. بنابراین تحقق ارزش‌هایی مانند عدالت، سلامت اجتماعی، تربیت نسل جوان، افزایش نشاط عمومی و حمایت از محرومان، تنها زمانی ممکن است که همه نهادهای مرتبط در آن مشارکت داشته باشند.

در نتیجه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران باید از سطح فردی فراتر رود و به بخشی از نظام مدیریتی، فرهنگی و اخلاقی ورزش تبدیل شود؛ نظامی که هم رفتار فردی را تقویت کند و هم از آن حمایت نهادی به عمل آورد.

چطور می‌توان کاری کرد که مسئولیت اجتماعی ورزشکاران فقط یک اقدام داوطلبانه نباشد و به یک برنامه دائمی تبدیل شود؟

برای اینکه مسئولیت اجتماعی در ورزش از حالت مقطعی و داوطلبانه خارج و به یک سیاست پایدار تبدیل شود، لازم است مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ فرهنگی، مدیریتی و ساختاری اجرا شود.

نخست، تدوین «منشور اخلاقی و اجتماعی ورزش» اهمیت دارد؛ منشوری که بر پایه ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه، بویژه در چهارچوب نگاه اسلامی تنظیم شده باشد و وظایف اجتماعی ورزشکاران و نهادهای ورزشی را مشخص کند. دوم، آموزش‌های فرهنگی و معرفتی برای ورزشکاران باید جدی گرفته شود. ورزشکار تنها یک فرد حرفه‌ای در میدان مسابقه نیست، بلکه یک چهره اثرگذار اجتماعی است و باید نسبت به نقش خود در جامعه آگاهی داشته باشد.

سوم، لازم است در بودجه باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها، سهم مشخصی برای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و خیریه در نظر گرفته شود تا این اقدامات وابسته به تصمیم‌های فردی و مقطعی نباشد.

چهارم، ارتباط نظام‌مند میان نهادهای ورزشی و سایر نهادهای اجتماعی مانند مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد، خیریه‌ها و گروه‌های مردمی باید تقویت شود. این ارتباط می‌تواند زمینه حضور مؤثر ورزشکاران در جامعه را فراهم کند.

در کنار این موارد، وجود سازوکارهایی برای ارزیابی اثرگذاری اجتماعی، گزارش‌دهی شفاف، الگوسازی از ورزشکاران اخلاق‌مدار و همچنین جلوگیری از ریاکاری، تبلیغات افراطی و استفاده ابزاری از کارهای خیر ضروری است.

در نهایت، زمانی می‌توان گفت مسئولیت اجتماعی در ورزش پایدار شده است که به بخشی از «سیاست فرهنگی و اخلاقی ورزش» تبدیل شود؛ یعنی در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و ساختارهای رسمی، ورزش جایگاه مشخص و دائمی داشته باشد.

آیا اگر همه از ورزشکاران انتظار مسئولیت اجتماعی داشته باشند، مشکلات اصلی جامعه نادیده گرفته نمی‌شود؟

اگر مسئولیت اجتماعی به‌طور افراطی و یک‌جانبه بر دوش ورزشکاران گذاشته شود، این خطر وجود دارد که ریشه‌های اصلی و ساختاری مشکلات اجتماعی نادیده گرفته شود.

مشکلاتی مانند فقر، نابرابری، محرومیت، ضعف زیرساخت‌های ورزشی و آسیب‌های اجتماعی، صرفاً با اقدامات فردی -اگر از سوی چهره‌های محبوب باشد- حل نمی‌شوند. این مسائل ریشه در ساختارهای اقتصادی، مدیریتی و سیاست‌گذاری دارند و نیازمند اصلاحات بنیادین هستند.

در نگاه اسلامی و انقلابی نیز کمک‌های فردی و اقدامات خیرخواهانه بسیار ارزشمند و اثرگذارند، اما جایگزین مسئولیت نهادهای مدیریتی نمی‌شوند. ورزشکار می‌تواند نقش مهمی در ایجاد امید، تقویت همبستگی اجتماعی، حمایت از محرومان و انتقال پیام‌های اخلاقی داشته باشد، اما نباید به جای نهادهای مسئول بنشیند یا بار ناکارآمدی ساختارها را به دوش بکشد. بنابراین نگاه درست به مسئولیت اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که میان «کنش فردی ورزشکاران» و «اصلاحات ساختاری» تعادل برقرار شود. تنها در این صورت است که هم اثرگذاری اجتماعی افزایش می‌یابد و هم از تحمیل فشار ناعادلانه بر افراد جلوگیری می‌شود.

برش

ورزشکاران می‌توانند چه نقشی در ایجاد وحدت و هویت مشترک در جامعه داشته باشند؟

ورزشکاران در بسیاری از جوامع، بویژه در جوامعی که با چالش‌های اقتصادی روبه‌رو هستند، می‌توانند نقش بسیار مهمی در تقویت هویت جمعی و انسجام اجتماعی ایفا کنند. آنها از طریق حضور در عرصه‌های ملی و بین‌المللی، به نمادهایی از موفقیت، تلاش و امید تبدیل می‌شوند و می‌توانند احساس مشترکی از افتخار و تعلق را در میان مردم ایجاد کنند.

در فرهنگ اسلامی و ایرانی، مفهوم «قهرمان» صرفاً به کسب مدال یا رکورد ورزشی محدود نمی‌شود. قهرمان واقعی کسی است که علاوه بر توانمندی ورزشی، دارای ویژگی‌هایی مانند اخلاق‌مداری، تواضع، غیرت، احترام به مردم و روحیه خدمت به جامعه باشد. چنین فردی می‌تواند فراتر از مرزهای طبقاتی و اجتماعی عمل کند و افراد مختلف را حول یک ارزش مشترک گرد هم آورد.

موفقیت یک ورزشکار متعهد، در واقع فقط یک موفقیت فردی نیست، بلکه می‌تواند به یک «سرمایه اجتماعی» تبدیل شود؛ سرمایه‌ای که احساس امید، عزت و همبستگی را در جامعه تقویت می‌کند، بویژه برای نسل جوان، این پیام را به همراه دارد که با تلاش، ایمان و پایبندی به اخلاق می‌توان به پیشرفت رسید و بر محدودیت‌ها غلبه کرد.

در نتیجه ورزشکاران در چنین شرایطی می‌توانند به نمادهایی از وحدت، مقاومت، امید و کرامت ملی تبدیل شوند و نقش مهمی در کاهش احساس شکاف اجتماعی داشته باشند.

آیا ورزش می‌تواند باعث نزدیک شدن طبقات مختلف جامعه به هم شود؟

ورزش یکی از مؤثرترین ابزارهای اجتماعی برای ایجاد ارتباط میان طبقات مختلف جامعه است. فضای ورزشی، بویژه در قالب رقابت‌های سالم، هواداری و احساس افتخار ملی، می‌تواند افراد با پیشینه‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت را در یک نقطه مشترک گرد هم آورد.

در چنین فضایی، تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی تا حد زیادی کمرنگ می‌شود و جای خود را به احساس مشترک تعلق، هیجان جمعی و همبستگی اجتماعی می‌دهد. به همین دلیل، ورزش را می‌توان یک «زبان مشترک اجتماعی» دانست که همه اقشار جامعه آن را درک کرده و با آن ارتباط برقرار می‌کنند.

در نگاه عدالت‌محور اسلامی و انقلابی نیز ورزش یک حق عمومی و همگانی است؛ نه یک امتیاز ویژه برای طبقات خاص یا گروه‌های برخوردار. ورزش باید در خدمت سلامت جسمی، نشاط روانی، تربیت اخلاقی و انسجام اجتماعی قرار گیرد.

اگر امکانات ورزشی به صورت عادلانه در مدارس، محله‌ها، روستاها و مناطق محروم توزیع شود، ورزش می‌تواند نقش مهم‌تری در کاهش شکاف‌های اجتماعی ایفا کند. در چنین حالتی، ورزش نه‌تنها سرگرمی یا رقابت، بلکه ابزاری برای افزایش امید اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی خواهد بود.

چطور می‌شود بین موفقیت حرفه‌ای ورزشکار و انتظارات مردم از او تعادل برقرار کرد؟

ایجاد تعادل میان موفقیت حرفه‌ای ورزشکاران و انتظارات اجتماعی از آنها، نیازمند نگاه واقع‌بینانه و چندبعدی است. ورزشکار باید فرصت، حمایت و آرامش لازم را برای تمرین، پیشرفت و دستیابی به موفقیت‌های حرفه‌ای داشته باشد. بدون این حمایت، انتظار موفقیت پایدار از او منطقی نخواهد بود.